

پس از آنکه پرولتاریای صنعتی مدرن بوجود آمد و روز بروز نیرومندتر گردید ، دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر بتدریج سازمانهای کاملا نوینی ایجاد کردند ، بطوریکه این سازمانهای عقبمانده ابتدائی اهمیت موجودیت خود را از دست دادند .

گزارش در باره بررسی جنبش دهقانی حونان

(مارس ۱۹۲۷)

اهمیت مسئله دهقانی

من طی سفر اخیرم در حونان (۱) درباره وضع پنج شهرستان سیان تن ، سیان سیان ، حن شان ، لی لین و چان شا تحقیقاتی در محل بعمل آوردم . مدت سی و دو روز ، یعنی از ۴ ژانویه تا ۶ فوریه ، در دهات و مراکز شهرستانها دهقانان با تجربه و رفقائی را که در جنبش دهقانی فعالیت دارند ، برای تحقیق بجلساتی دعوت کردم و با دقت به گزارشهای آنها گوش دادم و مدارك زیادی گرد آوردم . بسیاری از چون و چراهای جنبش

این مقاله رفیق مائوتسه دون در پاسخ به ایراداتی نگاشته شده که در آنزمان در داخل و خارج حزب علیه مبارزه انقلابی دهقانان بعمل می آمد . رفیق مائوتسه دون بمنظور رد این ایرادات از استان حونان دیدن کرد و پس از سی و دو روز تحقیق گزارش حاضر را نوشت . در آن دوران اپورتونیستهای راست در صفوف حزب که در رأس آنها چن دوسیو قرار داشت ، از قبول نظریات رفیق مائوتسه دون خودداری میورزیدند و در نظریات اشتباه آمیز خود پافشاری میکردند . اشتباه آنها بطور عمده در این

دهقانی درست عکس آنچیزی بود که در حان کو و چان شا از متنفذین شنیده بودم. در آنجا چیزهای شگفت‌انگیز فراوانی بود که من در گذشته نه دیده بودم و نه شنیده بودم. من فکر میکنم که در بسیاری از نقاط دیگر هم میتوان چنین وضعی را مشاهده کرد. باید بهر سخنی که علیه جنبش دهقانی گفته میشود، هرچه سریعتر خاتمه داد. باید کلیه اقدامات اشتباه آمیز مقامات انقلابی را نسبت باین جنبش هر چه زودتر اصلاح نمود. فقط از این راه است که میتوان به تکامل آتی انقلاب کمک رسانید. زیرا که اعتلای کنونی جنبش دهقانی رویداد شگرفی است. در اندک زمانی صدها میلیون دهقان در استانهای مرکزی، جنوبی و شمالی چین چون توفانی سهمگین، چون گردبادی تند، با نیروئی بس قدرتمند و سرکش پیا خواهند خاست و هیچ قدرتی را، هر قدر هم که عظیم باشد، یارای باز داشتن آنها نخواهد بود. آنها تمام زنجیرهایی را که دست و پایشان را بسته است، خواهند گسست و در شاهراه آزادی به پیش خواهند شتافت. آنها تمام امپریالیستها، دیکتاتورهای نظامی، مأمورین فاسد و مختلس، مستبدین محلی و متنفذین شریر را به گور خواهند سپرد. دهقانان تمام احزاب انقلابی، تمام رفقای انقلابی را در بوته آزمایش قرار خواهند داد تا آنها را یا قبول کنند و یا طرد نمایند. آیا باید در پیشاپیش دهقانان حرکت کرد و آنها را رهبری نمود یا اینکه

بود که آنها که از جریان ارتجاعی موجود در درون گومیندان بوحشت افتاده بودند، جرأت نمیکردند از مبارزات بزرگ انقلابی دهقانان که درگیر شده بود یا در شرف درگیر شدن بود، پشتیبانی کنند. آنها برای اینکه خود را با گومیندان هم‌رنگ سازند ترجیح دادند عمده‌ترین متحد انقلاب یعنی دهقانان را طرد کنند و طبقه کارگر و حزب کمونیست را تنها و بی‌پشتیبان بگذارند. اگر گومیندان در تابستان ۱۹۲۷ جسارت به خیانت نمود و پیکار "تصفیه حزب" و جنگ علیه خلق را آغاز کرد، علتش بطور عمده آن بود که توانست از این نقطه ضعف حزب کمونیست بهره‌برداری نماید.

در عقب آنها ماند و با سرودست انتقادشان کرد و یا در برابر آنان ایستاد و با آنها مخالفت نمود؟ هر چینی آزاد است که یکی از این سه شق را برگزیند، ولی سیر رویدادها شما را مجبور خواهد کرد که هر چه زودتر انتخاب کنید.

متشکل شوید!

سیر رشد جنبش دهقانی حونان را با در نظر داشت شهرستانهای مرکزی و جنوبی این استان که جنبش در آنجا بسط یافته است، میتوان بطور کلی بدو دوره تقسیم کرد. دوره اول که از ژانویه تا سپتامبر سال گذشته ادامه داشت، دوره متشکل شدن بود. این دوره، از ژانویه تا ژوئن بمرحله فعالیت مخفی و از ژوئیه تا سپتامبر که ارتش انقلابی جائوهن تی (۲) را بیرون راند، بمرحله فعالیت علنی تقسیم میشود. در این دوره اتحادیه‌های دهقانی فقط سیصد تا چهارصد هزار عضو داشتند و توده‌های زیر رهبری مستقیم آنها بزحمت از یک میلیون نفر تجاوز میکردند؛ در روستا هنوز عملاً مبارزهای وجود نداشت و بهمین جهت اتحادیه‌های دهقانی چندان مورد انتقاد محافل مختلف قرار نمیگرفتند. بعضی از افسران ارتش لشگرکشی بشمال نیز گاهی چند کلمه‌ای در تمجید از این اتحادیه‌ها بر زبان میراندند زیرا که اعضای اتحادیه‌های دهقانی بعنوان بلد، خبرگیر و باربر به این ارتش کمک میکردند. دوره دوم که از اکتبر سال گذشته تا ژانویه امسال طول کشید، دوره عمل انقلابی بود. در این دوره تعداد اعضای اتحادیه‌های دهقانی بسرعت به دو میلیون نفر رسید و توده‌های زیر رهبری مستقیم آنها تا ده میلیون نفر افزایش یافتند. از آنجا که دهقانان هنگام ورود به اتحادیه‌های دهقانی در اغلب موارد بجای تمام افراد خانواده خود فقط نام یک نفر را ثبت میکنند، دو میلیون عضو توده‌ای تقریباً برابر ده

میلیون نفر را دربر میگیرد . اکنون تقریباً نیمی از دهقانان حونان متشکل شده‌اند . در شهرستانهایی مانند سیان تن ، سیان سیان ، لیویان ، چان شا ، لی لین ، نین سیان ، پین جیان ، سیان بین ، حن شان ، حن یان ، لی یان ، چن سیان و ان هوا تقریباً تمام دهقانان در اتحادیه‌های دهقانی گرد آمده‌اند و تحت رهبری این اتحادیه‌ها قرار گرفته‌اند . دهقانان پس از آنکه سازمان وسیعی تشکیل دادند ، فوراً دست به عمل زدند و بالاخره طی چهار ماه انقلاب عظیمی در روستا برپا کردند - انقلابی که در تاریخ بی‌نظیر بود .

**مرده باد مستبدین محلی و متنفذین شریر !
همه قدرت بدست اتحادیه‌های دهقانی !**

آماج عمده ضربه دهقانان مستبدین محلی ، متنفذین شریر و مالکان ارضی قانون شکن است ، اما همراه با آن تمام افکار و نظام پدرشاهی ، مأمورین فاسد و مختلس در شهرها و عادات و رسومات مذموم در دهات نیز زیر ضربه قرار میگیرند . این ضربه از لحاظ قدرت همچون توفان سهمگینی است ، آنانکه در برابرش سر تسلیم فرود میآورند ، زنده میمانند و آنانکه مقاومت میکنند ، نابود میشوند . در نتیجه ، امتیازاتی که مالکان ارضی فئودال طی هزاران سال از آن برخوردار بوده‌اند ، برانداخته میشود . حیثیت و اعتبار آنها بکلی از بین میرود . پس از خرد شدن اقتدار مالکان ارضی ، اتحادیه‌های دهقانی به یگانه ارگان قدرت تبدیل گردیدند و شعار عمومی "همه قدرت بدست اتحادیه‌های دهقانی" واقعاً بتحقق پیوست . از این پس حتی مسایل کوچک چون دعوی زن و شوهر نیز به اتحادیه‌های دهقانی کشیده میشود . هیچ امری بدون حضور نماینده اتحادیه دهقانی نمیتواند

برگزار شود. اتحادیه‌های دهقانی در روستا در تمام زمینه‌ها عملاً اعمال قدرت میکنند، بطوریکه گفته میشود: "هرچه آنها میگویند، انجام میشود". آنهائی که عضو نیستند، نمیتوانند از این اتحادیه‌ها جز به نیکی سخن بگویند؛ هیچ کس نمیتواند از آنها بدگوئی کند. از مستبدین محلی و متنفذین شریر و مالکان ارضی قانون شکن حق بیان گرفته شده و هیچیک از آنها جرأت نطوق کشیدن ندارد. در برابر قدرت اتحادیه‌های دهقانی، مهمترین مستبدین محلی و متنفذین شریر به شانگهای فرار کرده‌اند؛ آنهائی که اهمیت کمتری دارند، به حان‌کو؛ آنهائی که از اینها هم کم‌اهمیت‌ترند به چان‌شا؛ و کوچکترین آنها به مراکز شهرستان؛ و بالاخره جوجه مستبدین محلی و جوجه متنفذین شریر در دهات مانده‌اند و در مقابل اتحادیه‌های دهقانی سر تسلیم فرود آورده‌اند.

یکی از متنفذین شریر کوچک میگفت: "من حاضرم ده یوان بدهم، فقط بمن اجازه دهید وارد اتحادیه دهقانی بشوم".

دهقانان جواب میدادند: "برو گم شو! پول کثیف تو بدرد ما نمیخورد." بسیاری از مالکان ارضی کوچک و متوسط، دهقانان مرفه و حتی دهقانان میانه حال که در گذشته مخالف اتحادیه‌های دهقانی بوده‌اند، اکنون بیهوده میکوشند به آنها بپیوندند. من در بسیاری از نقاط اغلب با اشخاصی برخورد میکردم که از من تقاضا میکردند: "کمیسر مرکز استان! خواهش میکنیم ضامن ما بشوید!"

در زمان سلسله تسین، مقامات محلی برای سرشماری دو دفتر ثبت داشتند: دفتر عادی و دفتر مخصوص. افراد شریف در دفتر عادی ثبت میشدند و افراد ناباب مانند راهزنان و دزدان در دفتر مخصوص. اکنون در برخی نقاط، دهقانان طبق این متد کسانی را که مخالف اتحادیه‌های

دهقانی بودند ، تهدید میکنند و میگویند : ”نام اینها را در دفتر مخصوص ثبت کن !“

آنهايي که از ثبت نام در این دفتر بیم دارند ، بهر وسیله‌ای سعی میکنند تا وارد اتحادیه‌های دهقانی شوند و تنها موقعی آرامش خاطر مییابند که نامشان در دفتر عضویت یکی از اتحادیه‌ها ثبت گردد . اما اتحادیه‌های دهقانی اغلب آنها را صریحاً رد میکنند و از این جهت قلبشان دائماً از ترس می‌تپد ؛ آنها که درهای اتحادیه‌های دهقانی برویشان بسته شده ، خود را چون ولگردانی احساس میکنند که هیچگونه مأمّن و پناهی ندارند ؛ در دهات آنها را ”مطرودان“ مینامند . خلاصه ، این باصطلاح ”جوامع دهقانی“ که چهار ماه پیش با دیده حقارت بآنها مینگریستند ، اکنون بصورت سازمانهای پرافتخاری درآمده‌اند . همه کسانی که در گذشته در برابر اقتدار متنفذین کرنش میکردند ، اکنون در برابر قدرت دهقانان سر تعظیم فرود می‌آورند . هیچ کسی نیست که قبول نداشته باشد دنیا از ماه اکتبر سال گذشته دنیای دیگری شده است .

” بسیار بد است !“ و ” بسیار خوب است !“

شورش دهقانان در دهات خواب شیرین متنفذین را بهم زده است . اخبار روستا بمحض اینکه به شهرها میرسید ، بین متنفذین ولوله و غوغا می‌انداخت . من هنگامیکه وارد چان شامدم ، با اشخاص مختلف برخورد کردم و شایعات زیادی در شهر شنیدم . از قشر متوسط جامعه گرفته تا جناح راست گومیندان همه یکصدا وضع را با این کلمات توصیف میکردند : ”بسیار بد است !“ . تحت تأثیر گفته‌های پیروان عقیده اوضاع ”بسیار بد

است ! “ که در تمام گوشه و کنار شهر بگوش میرسید ، حتی افراد خیلی انقلابی وقتیکه چشمان خود را میبستند و به آنچه که در روستا میگذشت ، میاندیشیدند ، دلسرد میشدند و قادر نبودند کلمه “بد” را رد کنند . اشخاص بسیار مترقی نیز چنین اظهار میداشتند : “ در جریان انقلاب این چیزها با اینکه بدند ، بهر حال اجتناب ناپذیرند . “ خلاصه هیچکس نمیتوانست کلمه “بد” را یکسره رد کند . اما بطوریکه در بالا گفته شد ، واقعیت اینستکه توده‌های وسیع دهقانی بپا خاسته‌اند تا رسالت تاریخی خود را بانجام رسانند و نیروهای دموکراتیک دهات بپا خاسته‌اند تا نیروهای فئودالی روستا را واژگون سازند . طبقه فئودالی - پادشاهی مستبدین محلی ، متنفذین شریر و مالکان ارضی قانون شکن پایه‌های این رژیم استبدادی چندین هزارساله و تکیه‌گاه امپریالیستها ، دیکتاتورهای نظامی و مأمورین فاسد و مختلس را تشکیل میدهند . هدف واقعی انقلاب ملی درست سرنگون ساختن این نیروهای فئودالی است . دکتر سون یاتسن مدت چهل سال تمام همه نیروی خود را در خدمت انقلاب ملی گذاشت ولی آنچه که او میخواست و هرگز نتوانست به تحقق درآورد ، دهقانان در ظرف چند ماه انجام دادند . این شاهکار بزرگ بیماندی است که تا کنون نه تنها در ظرف چهل سال حتی در طول هزاران سال هم تحقق نیافته بود . این بسیار خوب است ؛ بهیچوجه “بد” نیست . این همه چیز هست بجز “بسیار بد” . “بسیار بد است ! “ - صریحاً تئوری مخالفت با رستاخیز دهقانان در جهت دفاع از منافع مالکان ارضی است ، صریحاً تئوری طبقه مالکان ارضی است که در جهت حفظ و حراست نظم کهنه فئودالی و جلوگیری از استقرار نظم نوین دموکراتیک سیر میکند ؛ بسخن دیگر صریحاً تئوری ضد انقلابی است . هیچ رفیق انقلابی نباید این لاطائلات را تکرار کند . اگر شما دارای افکار انقلابی

استوار باشید، اگر شما پروستا رفته و آنچه را که در آنجا میگذرد، دیده باشید، حتماً وجد و سرور بی نظیری در خود احساس میکنید. هزاران هزار برده-دهقانان - دشمنان خود را که به طفیل آنان فربه شده بودند، بر زمین میکوبند. این کار دهقانان کاملاً درست است؛ عمل آنها بسیار خوب است! "بسیار خوب است!" تئوری دهقانان و همه انقلابیون دیگر است. هر رفیق انقلابی باید بداند که انقلاب ملی مستلزم دگرگونی بزرگی در روستاست. انقلاب ۱۹۱۱ (۳) موجب چنین دگرگونی نگردید و از اینجهت با شکست مواجه گشت. اکنون يك چنین دگرگونی صورت گرفته و این عامل مهمی است برای بسرانجام رساندن انقلاب. هر رفیق انقلابی باید از این دگرگونی پشتیبانی کند، چه در غیراینصورت به موضع ضد انقلاب خواهد غلطید.

مسئله باصطلاح "زیاده روی"

کسان دیگری نیز هستند که میگویند: "بله، اتحادیه های دهقانی لازمند، ولی آنها واقعاً زیاده روی میکنند." این عقیده میانه روهاست. اما ببینیم حقیقتاً چه میگذرد؟ یقیناً، دهقانان در دهات قدری "تمرد" میکنند. اتحادیه های دهقانی که دارای عالیتترین قدرت میباشند، به مالکان ارضی اجازه صحبت نمیدهند و غرور و نخوت آنانرا درهم میشکنند. این مساوی با آنستکه آنها مالکان ارضی را بر زمین افکنده و پا بر سر آنان مینهند. "نامتان را در دفتر مخصوص ثبت میکنیم!" آنها مستبدین محلی و متنفذین شریر را جریمه میکنند، از آنها حق میگیرند و تخت روانهای آنها را میشکنند. انبوه مردم به خانه های مستبدین محلی و متنفذین شریر که با اتحادیه های دهقانی مخالفند، هجوم میبرند، خوکه های آنها را میکشند و غلات

آنها را بمصرف میرسانند . دهقانان حتی خود را روی تخت خوابهای عاج نشان دختران و نوعروسان مستبدین محلی و متنفذین شریر میاندازند و غلت میزنند . آنها به کوچکترین بهانه‌ای این آقایان را میگیرند و کلاه بوقی سرشان میگذارند و دور ده میگردانند و به آنها میگویند : " مالک کثیف ! حالا میفهمی با چه کسی سر و کار داری ! " دهقانان هر کاری که میخواهند ، میکنند ؛ در روستا همه چیز غیر عادی شده و نوعی ترور حکمفرما گشته است . این همان چیزی است که بعضی‌ها " زیاده‌روی " ، " بجای راست کردن در جهت مخالف خم کردن " و یا " واقعاً قبیح است " مینامند . در ظاهر چنین عقیده‌هایی معقول بنظر میرسند ، ولی در واقع همه آنها نیز اشتباه‌آمیزند . اولاً این خود مستبدین محلی ، متنفذین شریر و مالکان ارضی قانون شکن هستند که دهقانان را به چنین اعمالی وادار میکنند . چه ، آنها قرنیه‌است که از قدرت خود برای آقائی کردن بر دهقانان و لگدمال کردن آنها سوء استفاده نموده‌اند ، بهمین جهت دهقانان نیز با چنین قوتی از خود واکنش نشان میدهند . شدیدترین شورش‌ها و بزرگترین بی‌نظمی‌ها ، بدون استثناء در نقاطی روی داده است که در آنجا مستبدین محلی ، متنفذین شریر و مالکان ارضی قانون شکن به شنیع‌ترین اعمال دست زده‌اند . چشم دهقانان درست میبیند . دهقانان خوب میتوانند حساب کنند که چه کسی شریر است و چه کسی شریر نیست ، چه کسی خیلی شریر است و چه کسی قدری کمتر شریر است ، چه کسی را باید سخت مجازات کرد و چه کسی را باید کم مجازات کرد . بندرت اتفاق میافتد که مجازات متناسب با تقصیر نباشد . ثانیاً ، انقلاب مجلس مهمانی نیست ، مقاله نویسی نیست ، نقاشی یا گلدوزی نیست ، انقلاب نمیتواند آنقدر ظریف و آرام ، آنقدر نجیب و معتدل ، آنقدر مهربان و مؤدب ، آنقدر خوددار و با شفقت باشد . انقلاب شورش و طغیان است ، انقلاب عملی است

قهرآمیز که بدانوسیله يك طبقه دیگر را واژگون میسازد. انقلاب در روستا انقلابی است که طبقه دهقان بدانوسیله قدرت طبقه مالکان ارضی فتودال را درهم میشکند. دهقانان بدون صرف مساعی فراوان هرگز موفق نخواهند شد قدرت مالکان ارضی را که طی هزاران سال عمیقاً ریشه دوانده، درهم شکنند. در روستا رستاخیز انقلابی نیرومندی لازم است تا بتوان توده‌های میلیونی را بحرکت درآورد و از آنها نیروی عظیمی تشکیل داد. تمام اعمال فوق‌الذکر که "زیاده روی" خوانده میشوند، درست محصول آن نیروی دهقانان است که بر اثر رستاخیز انقلابی قدرتمند در روستا بحرکت درآمده است. در دوره دوم جنبش دهقانی (دوره عمل انقلابی) اینگونه اعمال کاملاً لازم‌اند. در این دوره باید قدرت مطلق دهقانان را مستقر نمود. باید هرگونه انتقاد مغرضانه به اتحادیه‌های دهقانی را ممنوع کرد. باید قدرت متنفذین را کاملاً درهم شکست، آنها را بر زمین افکند و حتی پا بر سرشان نهاد. در دوره دوم کلیه اعمالی که "زیاده روی" نامیده میشوند، دارای اهمیت انقلابی میباشند. با صراحت باید گفت که در هر منطقه روستائی استقرار يك دوره کوتاه ترور ضرور است؛ و بدون آن سرکوب فعالیت ضد انقلابیون در روستا و درهم شکستن قدرت متنفذین بهیچوجه ممکن نیست. برای اینکه بتوان چیزی را راست کرد باید اول آنرا در جهت مخالف خم نمود و گرنه نمیتوان آنرا راست کرد (۴). با آنکه عقیده کسانی که از "زیاده‌روی" انتقاد میکنند، ظاهراً با عقیده آنهائی که فریاد میکشند "بد است!" فرق میکند، ماهیتاً از يك نقطه نظر ناشی میشود: از تئوری مالکان ارضی که منافع طبقات ممتاز را حفظ و حراست میکند. از آنجا که این تئوری مانعی بر سر راه اعتلاء جنبش دهقانی است و بالنتیجه انقلاب را برهم میزند، باید با قاطعیت علیه آن مبارزه کنیم.

باصطلاح "جنبش پابرهنگان"

جناح راست گومیندان میگوید: "جنبش دهقانی جنبش پابرهنگان، جنبش دهقانان تنبل است." چنین سخنانی در چان شا اغلب بگوش میخورد. در روستا گاهی میشنیدم که متنفذین میگویند: "اتحادیه‌های دهقانی را میتوان ایجاد کرد، ولی آنهایی که اکنون در آنجا کار میکنند، بدرد نمیخورند، باید آنها را عوض کرد!" معنی این سخنان با آنچه که جناح راست گومیندان میگوید، یکی است؛ هر دوی آنها میگویند که جنبش دهقانی را میتوان متشکل ساخت (زیرا که این جنبش اکنون برپا شده و هیچکسی جرأت ندارد بگوید که آنها نباید متشکل ساخت) ولی کسانی که آنها رهبری میکنند، بدرد نمیخورند. آنها بخصوص نسبت به مسئولین اتحادیه‌های دهقانی در مدارج پائین کینه میورزند و آنها را "پابرهنگان" میخوانند. خلاصه، همه کسانی که متنفذین آنها را در سابق حقیر و بیمقدار میشمردند و با اردنگ به لجنزار میافکندند، تمام آنهایی که در جامعه جایی نداشتند و از حق صحبت کردن محروم بودند، اکنون — نگاه کنید! — سر بلند کرده‌اند. مهمتر آنکه آنها نه تنها سر بلند کرده‌اند بلکه قدرت را هم در دست گرفته‌اند. آنها اتحادیه‌های دهقانی دهستان‌ها (۵) (پائین‌ترین درجه سازمانی) را میچرخانند و این اتحادیه‌ها در دست آنها بیک چیز هراس‌انگیزی مبدل شده است. آنها دستهای زمخت و پینه‌بسته خود را بروی متنفذین بلند میکنند. آنها متنفذین شریر را با طناب میبندند، کلاه بوقی بر سر آنها میگذارند و آنها را دور دهات میگردانند (این عمل در سیان تن، سیان سیان، "دور قصبات گردانیدن" و در لی لین "دور مزارع گردانیدن" نامیده میشود). هر روز اتهامات سخت و بی‌امان آنها بگوش

متنفذین میرسند. آنها فرمان میدهند و در همه جا حکمروائی میکنند. در گذشته آنها از همه پائین تر بودند ولی اکنون در بالای همه قرار گرفته‌اند؛ اینست آنچه که وضع غیرعادی مینامند.

پیشاهنگ انقلاب

دو نظر متضاد درباره پدیده یا اشخاص ناگزیر بدو ارزیابی متضاد نسبت باین پدیده یا اشخاص منجر میشود. "بسیار بد است!" و "بسیار خوب است!"، "پابرهنگان" و "پیشاهنگ انقلاب" نمونه‌های خوبی در این مورد بدست میدهند.

در بالا گفتیم که دهقانان آنچه‌ان عمل انقلابی انجام داده‌اند که سالهای متمادی ناتمام مانده بود؛ آنها کار مهمی برای انقلاب ملی انجام داده‌اند. ولی آیا میتوان گفت که همه دهقانان در این عمل بزرگ انقلابی، در این کار مهم انقلابی شرکت جسته‌اند؟ نه. دهقانان بر سه نوع‌اند: مرفه، میانه حال، فقیر. این سه نوع دهقانان در شرایط گوناگونی بسر میبرند و بنابر این نسبت به انقلاب نیز دارای نظرات و برخوردهای مختلف میباشند. در دوره اول بین دهقانان مرفه شایع بود که ارتش لشگرکشی بشمال در جیان سی با شکست سختی مواجه گردیده، چانکایشک از پا زخمی شده (۶) و با هواپیما به گوان دون (۷) بازگشته و او پی فو (۸) شهر یوه جو را دوباره بتصرف در آورده است؛ اتحادیه‌های دهقانی بطور یقین مدت مدیدی نخواهند پائید و سه اصل خلق (۹) نخواهد گرفت، زیرا که در گذشته چنین چیزهایی اصلاً دیده نمیشد. هنگامیکه کسی از مسئولین اتحادیه دهقانی دهستان (معمولاً یکی از باصطلاح "پابرهنگان") با

دفتر ثبت به خانه دهقانی مرفه میرفت و باو میگفت: "ما از تو دعوت میکنیم که وارد اتحادیه دهقانی بشوی." دهقان مرفه چه جواب میداد؟ اگر برخوردش قدری بهتر بود، میگفت: "اتحادیه دهقانی؟ دهها سال است که اینجا زندگی میکنم و دهها سال است که زمینم را شخم میزنم، هرگز چنین چیزی بگوشم نخورده و مانع آن هم نشده که يك لقمه نان بدست بیاورم. من بشما توصیه میکنم که دنبال این کارها نروید." ولی اگر برخوردش بد بود، پاسخ میداد: "اتحادیه دهقانی؟ مزخرف نگو! این اتحادیه بالاخره سرتانرا بر باد میدهد! برای مردم دردسر ایجاد نکنید!" اما شگفت‌انگیز اینست که اتحادیه‌های دهقانی اکنون ماه‌هاست برقرار شده‌اند و حتی جرأت کرده‌اند که علیه متنفذین موضع بگیرند. آنها در حول و حوش خود متنفذینی را که از تحویل دادن و افور احتراز می‌جستند، می‌گرفتند و دور ده میگرداندند. در مراکز شهرستانها حتی متنفذین مهمی چون ین ژون چپو از سیان تن و یان جی زه از نین سیان را اعدام کردند. در مراسم سالگرد انقلاب اکتبر و در جریان تظاهرات ضد انگلیسی و در مراسم جشن بزرگ پیروزی لشگرکشی بشمال، در هر دهستان قریب ده هزار دهقان با پرچم‌های کوچک و بزرگ، با شانچوبها و کلنگهای خود در صفوف پرهیمنه‌ای جمع آمدند تا در تظاهرات توده‌ای شرکت جویند. در این هنگام بود که دهقانان مرفه سراسیمه شدند. در مراسم جشن بزرگ پیروزی لشگرکشی بشمال آنها شنیدند که جیوجیان تسخیر شده است و چانکایشک پایش زخم نخورده و او پی فو بالاخره شکست خورده است. گذشته از این، شعارهای "زنده باد سه اصل خلق!"، "زنده باد اتحادیه‌های دهقانی!"، "زنده باد دهقانان!" خیلی واضح روی "اعلانهای سرخ و سبز" نوشته شده است. آنها که سخت

سراسیمه شده بودند ، میگفتند ”چی ! زنده باد دهقانان ؟ هنوز هیچ چی نشده برای اینها زنده باد میکشند ؟“ در اینجا بود که اتحادیه‌های دهقانی در خود احساس غرور میکردند . افراد اتحادیه‌ها بدهقانان مرفه میگفتند : ”نامتان را در دفتر مخصوص ثبت خواهیم کرد .“ ، یا ”تا يك ماه دیگر ورودیه برای هر نفر ده یوان خواهد شد !“ تنها در این موقع بود که دهقانان مرفه کم کم وارد اتحادیه‌های دهقانی شدند (۱۰) . بعضی از آنها نیم یوان و یا يك یوان ورودیه پرداختند (در صورتیکه ورودیه معمولاً فقط صد ”وین“ بود) (۱۱) ، برخی دیگر فقط هنگامیکه کسی توصیه آنها را میکرد ، توانستند به عضویت درآیند . ولی بسیاری از دهقانان مرفه سرسخت هنوز به اتحادیه نپیوسته‌اند . آلهائی که به اتحادیه‌های دهقانی میپیوندند ، اغلب نام پیر مردان خانواده را که سنشان از شصت یا هفتاد سال میگذرد ، ثبت میکنند ، زیرا که همیشه از ”سربازگیری“ وحشت دارند . دهقانان مرفه پس از ورود به اتحادیه شور و شوقی برای فعالیت از خود نشان نمیدهند . آنها همیشه غیرفعال باقی میمانند .

و اما دهقانان میانه حال ؟ موضع آنها متزلزل است . آنها بر این عقیده‌اند که انقلاب برایشان زیاد فایده ندارد . دیگهای آنها همیشه روی آتش است و هیچکسی برای مطالبه قرض خود نیمه شب در خانه آنها را نمیکوبد . آنها نیز درباره آنچه که میگذرد ، اینطور فکر میکنند که آیا هرگز چنین چیزی وجود داشته است ، و آنگاه چین به ابرو میاندازند و از خود سؤال میکنند : ”آیا این اتحادیه‌های دهقانی میتوانند دوام یابند ؟“ ، ”آیا سه اصل خلق میگیرد ؟“ و سپس نتیجه میگیرند : ”مشکل !“ و با تصور اینکه همه چیز منوط به اراده پروردگار است ، با خود میگویند : ”اتحادیه دهقانی ؟ ولی آیا خدا قبول میکند ؟“ در دوره اول ، وقتیکه فردی

از اتحادیه دهقانی با دفتر ثبت سراغ دهقانان میانه حال میرفت و به آنها میگفت: "ما از شما دعوت میکنیم که به اتحادیه دهقانی وارد شوید." آنها جواب میدادند: "عجله‌ای نیست." فقط در دوره دوم هنگامیکه اتحادیه‌های دهقانی به نیروی بزرگی مبدل شدند، آنها به اتحادیه روی آوردند. در داخل اتحادیه رفتار آنها بهتر از رفتار دهقانان مرفه است، لیکن فعلاً فعالیت زیادی ندارند و هنوز در حالت انتظار بسر میبرند. بسیار لازم است که اتحادیه‌های دهقانی بکوشند دهقانان میانه حال را عضویت درآورند و کار توضیحی را در میان آنها تقویت کنند.

در نبرد سختی که در روستا دنبال میشود، دهقانان فقیر همیشه نیروی عمده بوده‌اند. آنها چه در دوره فعالیت مخفی و چه در دوره فعالیت علنی همواره بطور فعال مبارزه میکنند. درست همین دهقانان فقیر هستند که بیش از هر کس دیگر رهبری حزب کمونیست را میپذیرند. آنها دشمنان سوگند خورده مستبدین محلی و متنفذین شریزند و بدون اینکه کوچکترین تردیدی بخود راه دهند، به دژهای آنها حمله میکنند. آنها بد دهقانان مرفه میگویند: "ما مدتهاست که وارد اتحادیه دهقانی شده‌ایم، شما معطل چه هستید؟" دهقانان مرفه با لحن تمسخرآمیزی به آنها جواب میدهند: "شما که حتی سقفی بالای سر خود ندارید، شما که حتی تکه زمینی به بزرگی سرسنباق ندارید، چرا وارد اتحادیه دهقانی نمیشوید؟" راست است، دهقانان فقیر هیچ چیز ندارند که از دست بدهند. بسیاری از آنها در واقع "حتی سقفی بالای سر خود ندارند و حتی تکه زمینی به بزرگی سرسنباق ندارند" پس چرا وارد اتحادیه‌های دهقانی نمیشوند؟ طبق برآوردی که در چان شا شده است، دهقانان فقیر هفتاد درصد، دهقانان میانه حال بیست درصد، و مالکان ارضی و دهقانان مرفه ده درصد سکنه

روستا را تشکیل می‌دهند. این هفتاد درصد دهقانان فقیر را میتوان بدو گروه تقسیم کرد: بینوایان (۱۲) و تهیدستان (۱۳). بینوایان که بیست درصد سکنه روستا را تشکیل می‌دهند، دهقانانی هستند که هیچ چیز ندارند یعنی نه زمین دارند، نه پول، و نه هیچگونه وسیله معاش و مجبورند خانه و زندگی خود را رها کنند و بخدمت سربازی بروند، در اینجا و آنجا بکار مزدوری پردازند، ول بگردند و یا گدائی کنند. تهیدستان که پنجاه درصد سکنه روستا را تشکیل می‌دهند، شامل پیشه‌وران، دهقانان اجاره‌دار (به استثنای دهقانان مرفه اجاره‌دار) و دهقانان نیمه مالک میباشند؛ آنها چیز زیادی ندارند، بعبارت دیگر، کمی زمین یا مقداری پول دارند ولی بیشتر از آنچه که بدست می‌آورند، میخورند، تمام سال را زحمت میکشند و با گرفتاریهای سختی روبرو هستند. این توده عظیم دهقانان فقیر که هفتاد درصد سکنه روستا را تشکیل می‌دهند، ستون فقرات اتحادیه‌های دهقانی، پیشاهنگ مبارزه در سرنگون ساختن نیروهای فئودالی و پشتازان پرافتخار امر خطیر انقلاب‌اند که سالهاست ناتمام مانده است. بدون طبقه دهقان فقیر (یا بقول متنفذین بدون "پابرهنگان") غیرممکن بود که بتوان چنین وضع انقلابی در روستا بوجود آورد، مستبدین محلی و متنفذین شریر را سرنگون ساخت و انقلاب دموکراتیک را بفرجام رسانید. از آنجا که دهقانان فقیر انقلابی‌ترین عناصر هستند، رهبری اتحادیه‌های دهقانی را در دست گرفته‌اند. در جریان دوره اول و دوم تقریباً تمام رؤسا و اعضای پائین‌ترین مدارج کمیته‌های اتحادیه‌های دهقانی دهقانان فقیر بودند (در شهرستان حن شان کارمندان اتحادیه‌های دهقانی دهستان بطریق زیر تقسیم میشوند: پنجاه درصد بینوایان، چهل درصد تهیدستان و ده درصد روشنفکران فقیر). بسیار لازم است که رهبری در دست دهقانان فقیر باشد. بدون دهقانان فقیر

انقلابی نیست. انکار نقش دهقانان فقیر بمنزله انکار انقلاب است. حمله کردن به آنها بمنزله حمله کردن به انقلاب است. آنها هرگز در سمت گیری کلی انقلاب اشتباه نکرده‌اند. آنها آبرو و حیثیت مستبدین محلی و متنفذین شریر را از بین برده‌اند. آنها مستبدین محلی و متنفذین شریر بزرگ و کوچک را بر زمین افکنده و پا بر سرشان نهاده‌اند. بسیاری از اعمال آنها در دوره عمل انقلابی که با کلمه "زیاده‌روی" توصیف میشد، در واقع از ضروریات انقلاب بود. مقامات محلی، کمیته‌های گومیندان، واتحادیه‌های دهقانی بعضی از شهرستانهای استان حونان در این زمینه مرتکب اشتباهاتی شدند، برخی از آنها تا آنجا پیش رفتند که بنا به تقاضای مالکان ارضی برای توقیف کارمندان اتحادیه‌های دهقانی در مدارج پائین سرباز اعزام داشتند. در شهرستانهای حن شان، سیان سیان عده زیادی از رؤسا و اعضای کمیته‌های اتحادیه‌های دهقانی دهستان زندانی شده‌اند. این خطای بسیار بزرگی است که فقط غرور و نخوت مرتجعان را زیاد میکند. برای اینکه قضاوت کنیم که آیا این کار اشتباه بوده، کافی است مشاهده کنیم که در هر جا که رئیس یا عضو کمیته اتحادیه دهقانی توقیف میشود، چه شعف فوق‌العاده‌ای سراپای وجود مالکان ارضی قانون شکن را فرا میگیرد و تا چه اندازه محیط ارتجاع سنگینی میکند. ما باید با سخنان ضد انقلابی مانند "جنبش پابرهنگان" یا "جنبش دهقانان تنبل" مبارزه کنیم و بویژه مراقب باشیم مرتکب این اشتباه نشویم که به مستبدین محلی و متنفذین شریر در حمله بطبقه دهقان فقیر یاری برسانیم. درست است که در میان کادرهای رهبری که جزو دهقانان فقیرند، میتوان کسانی را یافت که واقعاً معایبی داشته‌اند، اما هم اکنون اکثریت آنها خود را اصلاح کرده‌اند. آنها خودشان قماربازی را اکیداً ممنوع ساخته و علیه راهزنی مبارزه برخاسته‌اند. در هر جا که

اتحادیه دهقانی نیرومند است، قماربازی کاملاً پایان یافته و راهزنی از بین رفته است. بطوریکه میگویند در بعضی جاها چیزهایی را که در راه مفقود میشود، بر نمیدارند و شبها در خانه‌ها را نمیبندند. طبق تحقیقی که در شهرستان حن شان بعمل آمده است، ۸۵ درصد کادرهای رهبری که جزو دهقانان فقیرند، عناصر خیلی خوب، انسانهایی قادر و پرکار از آب درآمده‌اند، فقط ۱۵ درصد از آنها پاره‌ای عادات ناپسند را هنوز از دست نداده‌اند. آنها را حداکثر میتوان "بعضی عناصر ناسالم" خواند ولی بهیچوجه قابل قبول نیست که با مستبدین محلی و متنفذین شریر هم آواز شد و باهمه آنها در بست مانند "پابرهنگان" معامله نمود. مسئله "بعضی عناصر ناسالم" را فقط میتوان اینطور حل کرد که تحت شعار تقویت انضباط که از طرف خود اتحادیه‌های دهقانی مطرح شده، به کار تبلیغاتی در میان توده‌ها پرداخت، این "بعضی عناصر ناسالم" را تربیت نمود و انضباط را در اتحادیه‌های دهقانی تحکیم کرد؛ در هیچ حالتی نباید خودسرانه سرباز اعزام داشت و دست به توقیف زد. این کار به اعتبار دهقانان فقیر لطمه میزند، غرور و نخوت مستبدین محلی و متنفذین شریر را زیاد میکند. جا دارد باین مسئله توجه خاصی مبذول گردد.

چهارده دستاورد بزرگ

کسانی که از اتحادیه‌های دهقانی ایراد میگیرند، حرفشان بطور کلی اینست که این اتحادیه‌ها کارهای بد فراوانی کرده‌اند. من در بالا نشان دادم که حمله دهقانان به مستبدین محلی و متنفذین شریر عملی صد درصد انقلابی است و باین عمل هیچ ایرادی وارد نیست. دهقانان کارهای بسیاری انجام

داده‌اند و برای جوابگوئی به ایرادات کسانی که آنها را محکوم میکنند ، لازم است کلیه اعمال آنها را يك يك مورد بررسی قرار دهیم تا معلوم شود که واقعاً چه کارهائی کرده‌اند . من پس از آنکه فعالیت آنها را طی ماههای اخیر رده‌بندی و جمع‌بندی کردم ، باین نتیجه رسیدم که دهقانان تحت رهبری اتحادیه‌های دهقانی چهارده دستاورد بزرگ بشرح زیر بحساب خود گذاشته‌اند :

۱ - متشکل کردن دهقانان در اتحادیه‌های دهقانی

این نخستین دستاورد بزرگ دهقانان است . در شهرستانهایی مانند سیان تن ، سیان سیان و حن شان تقریباً تمام دهقانان متشکل شده‌اند و مشکل میتوان " گوشه دور افتاده‌ای " را پیدا کرد که در آنجا دهقانان پانخاسته باشند . این شهرستانها از این نظر مقام اول را احراز میکنند . شهرستانهایی مانند ای یان و حوا ژون که اکثریت دهقانان در آنجا متشکل شده‌اند ولی هنوز عده قلیلی خارج از سازمان باقی مانده‌اند ، مقام دوم را اشغال میکنند . مقام سوم را شهرستانهایی مانند چن بو و لین لین کسب میکنند که در آنجا فقط بخش کوچکی از دهقانان متشکل شده‌اند و اکثریت هنوز متشکل نگردیده‌اند . قسمت غربی حونان که تحت کنترل یوان زو مین (۱۴) قرار دارد ، مقام چهارم را میگیرد ؛ در این منطقه کار تبلیغاتی در باره اتحادیه‌های دهقانی هنوز راه نیافته و دهقانان بسیاری از شهرستانهای آن اصلاً متشکل نگردیده‌اند . بطور کلی شهرستانهای قسمت مرکزی حونان در اطراف چان شا از نظر سازماندهی از همه جا پیشرفته‌ترند در حالیکه شهرستانهای جنوبی حونان از این نظر در مرتبه دوم قرار دارند و در قسمت غربی این استان سازماندهی تازه شروع شده‌است . بنابر آماري که اتحادیه دهقانی حونان در نوامبر سال

گذشته گرد آورده ، در ۳۷ شهرستان از ۷۵ شهرستان این سازمانهای ایجاد شده‌اند که تعداد اعضای آنها به ۱۳۶۷۷۲۷ نفر می‌رسد . از میان آنها قریب يك میلیون دهقان در اکتبر و نوامبر سال گذشته یعنی در موقعیکه قدرت اتحادیه‌های دهقانی در بحبوحه رشد خود بود ، متشکل گردیدند ، در حالیکه تا سپتامبر ، تعداد اعضای اتحادیه‌ها بیش از سیصد الی چهارصد هزار نفر نبود . بعد ماههای دسامبر و ژانویه فرا رسید و جنبش دهقانی به رشد پرداخته خود ادامه داد . در آخر ژانویه تعداد کل اعضای اتحادیه‌های دهقانی باید حداقل به دو میلیون نفر رسیده باشد . از آنجا که در اکثر موارد از هر خانواده فقط يك نفر در اتحادیه نام نویسی میکند ، و هر خانواده بطور متوسط شامل پنج نفر است ، اتحادیه‌های دهقانی توده‌ای نزدیک به ده میلیون نفر را دربر میگیرند . درست همین اعتلای شگفت‌انگیز و سریع است که توضیح میدهد چرا همه مستبدین محلی و متنفذین شریر و مأمورین فاسد و مختلس منفرد شده‌اند ، چرا مردم با بهت و حیرت می‌بینند که دنیای نو جای دنیای قدیم را گرفته است ، و چرا در روستا انقلاب عظیمی پدید آمده‌است . اینست نخستین دستاورد بزرگ دهقانان تحت رهبری اتحادیه‌های دهقانی .

۲ - ضربه سیاسی بر مالکان ارضی

دهقانان پس از ایجاد سازمانهای خود اولین کاری که کردند از بین بردن حیثیت و نفوذ سیاسی طبقه مالکان ارضی ، بویژه مستبدین محلی و متنفذین شریر بود ، یعنی در هم شکستن قدرت مالکان ارضی و استقرار قدرت دهقانان در جامعه روستائی . این يك مبارزه فوق‌العاده جدی و حیاتی است . این مبارزه در دوره دوم یعنی در دوره عمل انقلابی مبارزه مرکزی را تشکیل

میدهد. اگر این مبارزه به پیروزی نیانجامد، بهیچوجه نمیتوان در مبارزه اقتصادی بخاطر تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود، بخاطر بدست آوردن زمین و سایر وسایل تولید و غیره به پیروزی نایل آمد. در بسیاری از نقاط حونان مانند شهرستانهای سیان سیان، حن شان و سیان تن این مسئله دیگر مطرح نیست، زیرا که قدرت مالکان ارضی بکلی در هم شکسته و قدرت بلامنازع دهقانان مستقر گردیده است. اما در شهرستانهایی چون لی لین هنوز نقاطی یافت میشود (مثلاً در مغرب و جنوب لی لین) که در آنجا قدرت مالکان ارضی از قدرت دهقانان ضعیفتر بنظر میرسد، ولی بعلت اینکه مبارزه سیاسی هنوز حدت نیافته، در واقع با قدرت دهقانان در خفا رقابت میورزد. در این نقاط هنوز نمیتوان گفت که دهقانان به پیروزی سیاسی نایل آمده اند؛ مبارزه سیاسی را باید با نیروی بیشتری ادامه داد تا اینکه دهقانان قدرت مالکان ارضی را از اساس سرنگون سازند. دهقانان برای وارد آوردن ضربه سیاسی بر مالکان ارضی بطور کلی شیوه‌های زیر را بکار میبرند:

رسیدگی به حسابها. مستبدین محلی و متنفذین شریر در محل با در دست داشتن وجوه عمومی غالباً پولها را بجیب میزدند و در حسابها دست میبردند. اکنون دهقانان فرصت را مغتنم شمرده و از طریق رسیدگی به حسابها از بسیاری از مستبدین محلی و متنفذین شریر سلب قدرت کرده‌اند. در بسیاری از نقاط کمیسیونهایی برای رسیدگی به حسابها تشکیل شده است که بویژه مأموریت دارد از مستبدین محلی و متنفذین شریر حساب پس بگیرد، و مستبدین محلی و متنفذین شریر وقتیکه چشمشان به چنین کمییونی می‌افتد، از بیم بر خود می‌لرزند. چنین پیکاری در کلیه شهرستانهایی که جنبش دهقانی در آنجا رشد یافته، دامنه وسیعی بخود گرفته است. اهمیت این پیکار آنقدر که در افشاء جنایات مستبدین محلی و متنفذین شریر و عزل آنها

از مقامهای سیاسی و اجتماعی است، در پس گرفتن پولهای اختلاس شده نیست. جریمه گرفتن . دهقانان برای جرایم زیرین مجازات پولی تعیین کرده‌اند : اختلاس و سوء استفاده‌های مالی که در نتیجه رسیدگی به حسابها فاش شده‌اند ؛ وحشی‌گری نسبت به دهقانان در گذشته ؛ فعالیت‌های تخریبی کنونی علیه اتحادیه‌های دهقانی ؛ نقض دستور منع قماربازی و امتناع از تحویل وافور. در هر يك از این موارد دهقانان تصمیم میگیرند که این یا آن مستبد محلی و متنفذ شریر فلان مبلغ جریمه بپردازد. این جریمه‌ها از چند ده یوان تا چند هزار یوان تغییر میکند. بدیهی است که مستبدین محلی و متنفذین شریر که دهقانان از آنها جریمه گرفته‌اند، وجهه خود را کاملاً از دست میدهند.

“اعانه” گرفتن . مالکان ارضی ثروتمند قسی‌القلب مجبور به پرداخت “اعانه” میشوند که بمصرف کمک به فقرا، بمصرف ایجاد کثوپراتیوها، صندوقهای تعاونی روستائی و یا احتیاجات دیگر میرسد. “اعانه” گرفتن نیز نوعی مجازات است، ولی مجازاتی خفیفتر از جریمه. برای جلوگیری از هر گونه پیش‌آمد ناگوار بسیاری از مالکان ارضی داوطلبانه به اتحادیه‌های دهقانی “اعانه” میدهند.

بازخواست کوچک . هرگاه کسی با رفتار یا گفتار خود به اتحادیه‌های دهقانی صدمه برساند ولی گنااهش چندان بزرگ نباشد، دهقانان دسته‌جمعی به خانه او میریزند و بدون خشونت زیاد از او بازخواست میکنند. معمولاً او با بیانی روشن کتباً تعهد میسپرد که از این بپسند از این کارها دست بردارد، یعنی با سخنان و اعمال خود به حیثیت اتحادیه‌های دهقانی زیان نرساند، و بدین ترتیب مسئله منتفی میشود.

تظاهرات بزرگ . انبوه بزرگی از مردم جمع میشوند و علیه مستبد محلی

یا متنفذ شیریری که با اتحادیه‌های دهقانی خصومت میورزد ، دست به تظاهرات میزنند ؛ آنها در منزل او غذا میخورند و در این حالت کار بدون ذبح خوکها و مصرف غله صاحبخانه تمام نمیشود . اینگونه موارد کم نیستند . اخیراً در ماجیاهه واقع در سیان تن چنین حادثه‌ای رخ داد : جمعیتی قریب پانزده هزار نفر برای تنبیه بخانه‌های شش متنفذ شیریر رفتند و دست به تظاهرات زدند . این تظاهرات چهار روز طول کشید و در این مدت بیش از صد و سی خوک ذبح شد . اینگونه تظاهرات معمولاً با تحمیل جریمه پایان می‌یابند .

با کلاه بوقی دور ده گردانیدن . این يك کار خیلی معمولی است . بر سر مستبدین محلی و متنفدین شیریر کلاه کاغذی بوقی میگذارند که رویش اسم آن مستبد محلی یا متنفذ شیریر نوشته شده‌است . سپس آنها را به ریسمانی میبندند و در میان توده‌های مردم دور ده میگردانند . و گاهی برای جلب توجه مردم بر سینی مسی میکوبند و پرچم‌هایی به اهتزاز در میاورند . این مجازات بیش از هر مجازات دیگری مستبدین محلی و متنفدین شیریر را بوحشت میاندازد . کسیکه بدین ترتیب با کلاه بوقی ولو یکبار هم دور ده گردانیده شود ، دیگر وجهه خود را پاك از دست میدهد و نمیتواند سر بلند کند . بدین جهت پولداران اغلب ترجیح میدهند جریمه بپردازند ولی کلاه بوقی بر سرشان نگذارند . اما وقتی دهقانان رد کنند ، آنها مجبور میشوند به کلاه بر سر گذاشتن تن در دهند . یکی از اتحادیه‌های دهقانی دهستان خوشمزگی جالبی کرد : این اتحادیه متنفذ شیریری را گرفت و به او اعلام کرد که همان روز کلاه بوقی سرش خواهد گذاشت . رنگ این متنفذ شیریر از وحشت پرید . ولی بعد اتحادیه دهقانی تصمیم گرفت که در آنروز کلاه بوقی سرش نگذارد ، زیرا که اگر او را فوراً مجازات میکرد ، ممکن بود که بی رگ

شود و دیگر از این مجازات نترسد. باینجهت اتحادیه دهقانی صلاح دید او را بخانه بفرستد و یک روز دیگر کلاه بوقی سرش بگذارد. این متنفذ شریر که دقیقاً نمیدانست چه روزی کلاه بوقی سرش خواهد گذاشت، در خانه يك لحظه آرامش نمییافت و خواب و خوراک از وی سلب شده بود.

حبس کردن در زندانهای شهرستان. این مجازات از مجازات کلاه بوقی بر سر گذاشتن سختتر است. مستبدین محلی و متنفذین شریر را پس از توقیف به زندانهای شهرستان اعزام میکنند و در آنجا نگهبانان دارند و از حاکم شهرستان میخواهند که آنها را به محکمه بفرستد و کیفر دهد. بنابر این در مورد حبس وضع تغییر کرده است: سابقاً متنفذین بودند که دهقانان را بزندان میفرستادند ولی اکنون دهقانان متنفذین را.

تبعید. منظور دهقانان از تبعید مستبدین محلی و متنفذین شریر که مرتکب جنایات سخت شدهاند، نیست، بلکه مایلند آنها را توقیف و یا اعدام کنند. بهمین جهت مستبدین محلی و متنفذین شریر فرار را بر قرار ترجیح میدهند تا دچار چنین سرنوشتی نشوند. تقریباً تمام مستبدین محلی و متنفذین شریر بزرگ شهرستانهایی که در آنجا جنبش دهقانی وسعت یافته، فرار اختیار کردهاند و این خود بمنزله تبعید است. مهمترین آنها به شانگهای گریختهاند، آنهایی که اهمیت کمتری داشتند به حان کو، آنهایی که بازم اهمیت شان کمتر بوده به چان شا، کم اهمیتترین آنها به مراکز شهرستانها پناه بردهاند. از میان تمام این مستبدین محلی و متنفذین شریر فراری آنهایی که به شانگهای پناه بردهاند، از همه بیشتر در امنیت بسر میبرند. از میان آنهایی که به حان کو فرار کردهاند، بعضیها مثل سه متنفذ شریر حوا ژون بالاخره دستگیر و بمحل خود باز گردانیده شدند. آنهایی که به چان شا پناه بردهاند، بطریق اولی پیوسته

در معرض این خطرند که از طرف دانشجویان شهرستان خود که در آنجا تحصیل میکنند توقیف شوند؛ من خودم در این شهر شاهد توقیف دو متنفذ شیر بودم. اما کم اهمیت‌ترین مستبدین محلی و متنفذین شیر را که در مراکز شهرستانها پنهان شده‌اند، بسهولت میتوان پیدا کرد، زیرا دهقانان در این مراکز چشمها و گوشهای فراوانی دارند. مقامات مالیه مشکلات مالی حکومت خونان را مربوط باین میدانند که دهقانان ثروتمندان را از روستا رانده‌اند و در نتیجه تهیه پول مشکل گردیده است؛ از اینجا میتوان فهمید که وجود مستبدین محلی و متنفذین شیر در دهات خود تا چه اندازه غیر قابل تحمل است.

تیرباران کردن. دهقانان مشترکاً با بخشهای دیگر اهالی فقط در

مورد مستبدین محلی و متنفذین شیر بسیار مهم بچنین اقدامی توسل میجویند، چنانکه در نتیجه اصرار دهقانان و بخشهای دیگر اهالی بود که مقامات محلی به اعدام یان جی زه (از شهرستان نین سیان)، جو جیاگان (از شهرستان یوه یان)، فودائونان و سون بوه جو (از شهرستان هوا ژون) دست زدند. در شهرستان سیان تن دهقانان و بخشهای دیگر اهالی فرماندار شهرستان را مجبور کردند که بین ژون چیو را که زندانی بود، به آنها تسلیم نماید و سپس خود دهقانان او را تیرباران کردند. در شهرستان نین سیان دهقانان خودشان لیو جائو را اعدام کردند. هم اکنون پون جی فن (از شهرستان لی لین) جو تیان جیوه و تسائویون (از شهرستان ای یان) در انتظار اعلام حکم اعدام "داد گاه مخصوص برای محاکمه مستبدین محلی و متنفذین شیر" اند. اعدام این یا آن مستبد محلی و متنفذ شیر مهم تمام شهرستان را بهیجان در میآورد و برای ریشه کن کردن بقایای فئودالیسم بسیار مؤثر است. هر شهرستان دارای چنین مستبدین محلی و متنفذین شیر بزرگ است؛ در بعضی از شهرستانها

تعداد آنها به چند ده نفر و در برخی دیگر حداقل به چند نفر میرسد . باید در هر شهرستان لاقل چند مستبد محلی و متنفذ شریر را که مرتکب جنایات فجیع شده‌اند ، اعدام کرد ؛ این عمل تنها وسیله مؤثر برای سرکوب ارتجاع است . مستبدین محلی و متنفذین شریر هنگامیکه بر سر قدرت بودند ، بدون آنکه خم به ابرو بیاورند دهقانان را بقتل می‌رسانیدند . چه مای حیوان فرمانده گارد دفاع دهکده سین کان (شهرستان چان شا) مدت ده سال فرمانروائی میکرد و قریب هزار نفر دهقان فقیر را به بهانه ظاهراً موجه "اعدام راهزنان" بقتل رسانید . در زادگاه من در شهرستان سیان تن ، تان جیون ین و لوه شو لین فرماندهان گارد دفاع دهکده بین تیان از سال ۱۹۱۳ باین طرف یعنی طی چهارده سال بیش از پنجاه نفر را بقتل رسانیدند و چهار نفر را زنده بگور کردند . و از میان این پنجاه نفر اولین قربانی‌ها دو گدای مطلقاً بیگناه بودند . تان جیون ین گفت : "فعلاً از این دو گدا شروع میکنیم !" و بدین ترتیب زندگی این دو انسان خاموش شد . اگر در گذشته مستبدین محلی و متنفذین شریر چنین بیرحمی و قساوتی از خود نشان دادند ، اگر آنها در روستا چنین ترور سفیدی برقرار کردند ، اکنون که دهقانان پیاخاسته‌اند و چند مستبد محلی و متنفذ شریر را تیرباران کرده‌اند و برای سرکوب ضد انقلاب اندکی ترور اعمال نموده‌اند ، آیا دلیلی هست که بتوان آنها را ملامت کرد ؟

۳ - ضربه اقتصادی بر مالکان ارضی

منع صدور برنج بمناطق دیگر ، جلوگیری از بالا بردن قیمت برنج و ذخیره کردن برنج بمنظور احتکار . این یکی از رویدادهای بزرگ مبارزه اقتصادی دهقانان حونان طی ماههای اخیر است . از اکتبر سال گذشته تا بحال

دهقانان فقیر مانع شدند که مالکان ارضی و دهقانان مرفه برنج را خارج کنند، و برای آنها قدغن کردند که قیمت برنج را بالا برند و آنرا بقصد احتکار ذخیره کنند. و نتیجه این شد که دهقانان فقیر کاملاً به هدف خویش دست یافتند: خارج کردن برنج متوقف گردید، قیمت‌ها بطور محسوس پائین آمد و اثری از احتکار برنج باقی نماند.

منع افزایش بهره مالکانه و وثیقه، تبلیغ بمنظور تقلیل آنها. در

ژوئیه و اوت سال گذشته هنگامیکه اتحادیه‌های دهقانی هنوز ضعیف بودند، مالکان ارضی با بکار بردن شیوه‌های کهنه استثمار بیرحمانه یکی پس از دیگری به دهقانان اجاره‌دار اطلاع دادند که بهره مالکانه و وثیقه را افزایش خواهند داد. اما از ماه اکتبر موقعیکه اتحادیه‌های دهقانی بطور قابل ملاحظه‌ای نیرومند شدند و به اتفاق آراء علیه افزایش بهره مالکانه و وثیقه موضع گرفتند، مالکان ارضی دیگر جرأت نمودند در این مورد سخنی بر زبان بیاورند. از نوامبر بعد، دهقانان که نیروی شان بر نیروی مالکان ارضی می‌چربید، گامی فراتر گذاردند که بسود تقلیل بهره مالکانه و وثیقه شروع به تبلیغ کردند. آنها می‌گویند: افسوس که در پائیز گذشته هنگام پرداخت بهره مالکانه اتحادیه‌های دهقانی به اندازه کافی نیرومند نبودند و گرنه مادر آنموقع بهره مالکانه را کم می‌کردیم. دهقانان از هم اکنون دست به کار تبلیغاتی وسیعی زده‌اند تا در پائیز آینده بهره مالکانه را تقلیل دهند؛ مالکان ارضی نیز می‌خواهند بدانند که تقلیل بهره مالکانه چگونه انجام خواهد گرفت. اما تقلیل وثیقه هم اکنون در شهرستان حن شان و چند شهرستان دیگر در جریان است. باز داشتن مالکان ارضی از پس گرفتن زمینهای مورد مزارعه. در ژوئیه

و اوت سال گذشته غالباً اتفاق می‌افتاد که مالکان ارضی زمین مورد مزارعه را از برخی دهقانان پس می‌گرفتند تا آنرا بدیگران واگذار کنند. از اکتبر

باینطرف دیگر هیچیک از آنها جرأت چنین کاری را ندارد. از این پس دیگر چنین رسمی در میان نیست. فقط در مواردی که مالک زمین مورد مزارعه را پس میگیرد تا خودش روی آن کشت و زرع کند، هنوز مسئله کاملاً حل نشده است. در بعضی نقاط، دهقانان حتی از این هم ممانعت میکنند که مالک زمینش را پس بگیرد و خودش روی آن کشت و زرع کند؛ در نقاط دیگر، اگر واقعاً خود مالک به کشت و زرع زمین پردازد، دهقانان به او اجازه میدهند، ولی در این حالت ممکن است دهقانان اجازه‌دار به بیکاری دچار شوند. برای این مسئله هنوز راه حل واحدی پیدا نشده است.

تقلیل نرخ سود. نرخ سود قرضه‌ها در تمام شهرستانان هوا و در بعضی نقاط شهرستانهای دیگر پائین آمده است. معدک در نقاطی که اتحادیه‌های دهقانی بسیار نیرومندند، مالکان ارضی که از "اشتراکی شدن" میترسند، از دادن هر گونه قرضه‌ای بدهقانان پرهیز میکنند و در دهات نمونه‌های پرداخت قرضه چندان نیست. تقلیل نرخ سود که اکنون از آن سخن میرود، فقط شامل قرضه‌های قدیمی میشود. نه تنها نرخ سود چنین قرضه‌هایی پائین آمده، بلکه به طلبکاران نیز دیگر اجازه نمیدهند که اصل پول خود را از بدهکاران مصرانه مطالبه نمایند. دهقان فقیر میگوید: "من تقصیری ندارم، خرمن امسال خوب نیست، سال آینده بدهی خود را خواهم پرداخت!"

۴ - سرنگون کردن

حاکمیت فئودالی مستبدین محلی و مستفدین شریر -

برانداختن "دو" و "توان" (۱۵)

در "دو" و "توان" (یعنی بخش و دهستان) بویژه در "دو"